

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

فرستنده: ش. حمید

۶ جنوری ۲۰۱۴

شعر از "باغر"

به لاله،

که قوغ دلش

خونین تر

از شعر من است!!!

شعرهای مقاومت

از دفتر "دستی در آتش"

(هفت)

میثاق با آتش

درد خاموشان ندارد منت جانانه را	آتش از شرمی بدارد کی زند دیوانه را
لحظه دردم نگاهی بر در میخانه کرد	میکند خاموش شمع و میگذد پروانه را
واژه ها سرخید و در نای گلویم پرکشید	نیست انگشتی که کوبد درگه خُمخانه را
در نگارستان من رندی هیاهو ساز کرد	غرق خون کردند اینان ساغر و پیمانه را
ریش و تسبیح از بود میثاق با صلح و صفا	پس چرا در خون کشیدند، کلبه ویرانه را
بر چنین رسم سیاهی بزم مهرویان چه خوش	ریش بر آتش زدند، زان گلرخ مستانه را
آه از زخمی که خورش پای جانان گسترد	دشنه بر دست و بریدند مرمرد دردانه را
شب نهی بی عقل بر پیر مغان پُرجوش زد	مرغ حق هرگز نچیده زان طرف یک دانه را

بر ریاکاران تف و نفـرین رندان ریختند زود شو یک یک بزن بر زلف و کاکل شانه را
تا به کی اندر رثای نرگس و عبهر سرود قفل پدرودی بزن زنجیر این شبخانه را
پرتو شوریدگان گر بر روانت ره گشود ورد کن این مخملین گـلواژه فرزانه را
بس دگر از جور ناکس شیونی بر لب مزین
سر به صحرا شو به آتش زن سراسر خانه را

(جوزای ۱۳۶۰)